

کتابخانه

نشریه تربیت
شماره ۵
بهار ۱۴۰۲

للفت لب و لسان
معلب لب و لسان
محل لب و لسان
محل لب و لسان



امام (رضوان الله علیه) فرمودند: «معلّمی شغل انبیا است»؛ این فقط یک شعار دل خوش کن نیست؛ این یک حقیقت قرآنی است: «وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ»؛ از جمله‌ی خصوصیات پیامبران، تعلیم است. یعنی شما دارید راهی را حرکت می‌کنید که برترین انسان‌های تاریخ بشریت، آن راه را رفته‌اند و برای آن مقصود و برای آن پیمایش، مبعوث شده‌اند؛ یعنی پیغمبران. تأثیر و نقش بی‌نظیر تعلیم و تربیت عمومی

در پیشرفت و سعادت یک کشور مسئله‌ی فوق‌العاده مهمی است. به نظر ما این جزو واضحات است، جزو بدیهیات است اگرچه بعضی متأسفانه این امر بدیهی را درست درک نمی‌کنند، که آموزش و پرورش تعلیم و تربیت عمومی زیرساخت اصلی سعادت یک ملت و پیشرفت یک کشور و در جمهوری اسلامی، حرکت به سمت آرمان‌ها است.



بیانات مقام معظم رهبری در دانشگاه فرهنگیان

تربیت



نشریه تربیت / شماره پنجم / بهار ۱۴۰۲ /

شماره مجوز: ۵۰۴۰۰/۱۲۱۱/۲۱۰

صاحب امتیاز: انجمن علوم تربیتی مرکز شهید آیت
نجف آباد

مدیر مسئول و سردبیر: نیما القاسی

سرپرست نویسندگان: زهرا هاشمی نژاد

طراح و گرافیکست: مریم حجتی سیامکانی

هیئت تحریریه:

بخش فرهنگی:

دبیر: فرناز مومنی

نویسندگان: علی بابایی، فاطمه فرید،

رضا صباحی، سید احمد عبدالحی، امیر محمد ایروانی،

زهرا علیاری، نیما موسوی، فاطمه سلطانی

بخش پژوهشی:

دبیر: الهه خیراللهی

بخش علوم تربیتی:

دبیر: نگار ارشدی

نویسندگان: مریم حجتی سیامکانی، فاطمه ابن علی،

فاطمه نظری، محسن آتش زر، زهرا سورانی

گروه ویراستاران:

سرپرست: فاطمه ابن علی

ویراستاران: نگار ارشدی، مینا رجب همدانی،

زهرا خاموشی، فاطمه فرید، سید احمد عبدالحی

گروه روابط عمومی:

سرپرست: حسین علینژاد معرفی

اعضای گروه: فرناز مومنی، المیرا ابراهیمی،

الهه خادم حضرتی، فاطمه هل اتایی،

امیر محمد بهارلویی، نگار ارشدی،

مریم حجتی سیامکانی، حسن موسوی زاده

ارتباط با ما در فضای مجازی

@Tarbiat_mag



مهر

سخن مدیر مسئول

چه کسانی باید معلم شوند؟

جایگاه و نقش معلم در جامعه

معلمی شغل است یا حرفه؟

قبله گاه تربیت

تجربه شیرین

راهنمای ویژه

سواد عاطفی

دوستی با جوانان

زلزله زندگی تو چیست؟

معرفی یک هنر

ارتباط عید نوروز و نجوم

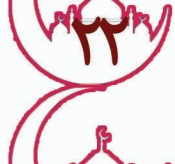
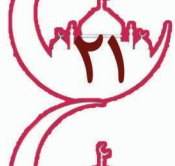
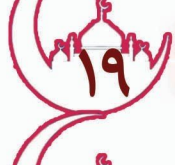
فلسفه عید نوروز

کار بست یافته های پژوهشی

فواید روزه

ماه رمضان

معرفی کتاب



چند کلامی با مخاطبان عزیزمان.

سخن مدیر مسئول و سردبیر

اما کار به اینجا ختم نمی شود؛ در این مسیر عزیزان دیگری بودند که همواره با توصیه ها و راهنمایی هایشان مسیر را برای ما هموار کردند، جادارد تشکر کنم از جناب آقای دکتر عبدالعالی مدیریت محترم شبکه تلوزیونی آموزش که صحبت ها و توجه شان به نشریه ما انگیزه های جدید در این مسیر برای ما شد که متأسفانه به دلیل مشغله ی کاری سنگین ایشان و نزدیک شدن به تاریخ انتشار شماره ی جدید نشریه فرصت نشد در این شماره مصاحبه ای ترتیب اثر داده شود که انشاءالله به زودی و در شماره های آتی مصاحبه ای با ایشان خواهیم داشت.

و اما در پایان باید تشکر و قدردانی ویژه ای داریم از مدیریت محترم مرکز شهید آیت، جناب آقای دکتر حاجی صادقیان و معاونت فرهنگی ایشان دکتر ابراهیم که تمامی شرایط را به بهترین شکل ممکن برای ما فراهم آوردند تا بتوانیم با نهایت توان اندک خود بهترین ها را برایتان رقم بزنیم.

امید است که این شماره به جان و دلتان بنشیند.

به نام نامی دوست پروردگار بی همتا
مخاطب عزیز نشریه ی تربیت، سلام!

سپاس و قدردانی از شما که همچنان ما را همراهی می کنید و تشکر از آن دسته از عزیزانی که به تازگی مخاطب و خواننده نشریه تربیت شده اند. ما در نشریه نوپای تربیت تقریباً بعد از گذشت یک سال و اندی و گذر از چالش ها و سختی های مختلف، اینک افتخار این را داریم که با پنجمین شماره از آن که حال و هوایی نو دارد و در ایام نوروز و سال نو که همزمان است با ماه مبارک رمضان، در خدمت شما باشیم.

اصولاً خیلی کم شاهد این مورد هستیم که در نشریات سخن مدیرمسئول در آن ذکر شود اما ما در نشریه تربیت سنت شکنی کردیم و هر شماره با مخاطبان عزیز خود سخن گفتیم و از همکاران خود در نشریه تشکر کردیم اما این بار برخود واجب دانستیم که بیشتر برای شما از جزئیات کار یا به عبارتی عامیانه تر از صفر تا صد کار را برایتان تشریح کنیم و نکات مهمی را برای شما خوانندگان عزیز و فهیم مطرح کنیم.

ابتدا تشکر می کنم از همه عزیزانی که در این مدت در کنار ما بودند و در نشریه تربیت با عناوین مختلف برای هر چه بهتر شدن و ارتقای سطح کیفی نشریه تلاش کردند؛ اما در این شماره نیز نویسندگان با تمام توان سعی کردند که بهترین خود باشند و بهترین متن ها را بنویسند، نویسندگانی با ذهن هایی خلاق از سرتاسر ایران عزیز از بین ساختمان های ترک خورده خوی تا جنگل های سرسبز شمال، از کاشان و قم، تا نقش جهان و هفت برج خارون؛ خلاصه تقریباً یک ایران کوچک در کنار ما بود.

نیما القاسی

عضو کمیته نظارت بر نشریات

استان اصفهان و مدیر مسئول

نشریه تربیت.





امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «کسی که خودش را در جایگاه راهنما و معلم دیگران قرار می‌دهد، باید پیش از تعلیم دیگران به تعلیم خود بپردازد و در مقام تربیت دیگران بیش‌تر از تربیت با زبان، به تربیت با عمل همت گمارد.» این صحبت امام علی (ع) هم به این اشاره دارد که انسانی که قصد تعلیم و تربیت دارد و می‌خواهد معلم باشد باید بر شخصیت خودش تمرکز کند و برای ارتقای آن تلاش کند. او باید صفات انسانی از قبیل: مهرورزی، نوع دوستی، همکاری، خویش‌داری و ایمان را در خود تقویت کند؛ زیرا چنین ویژگی‌هایی، سلامت روانی دانش‌آموزان را در جامعه تضمین خواهد کرد. معلم به‌عنوان یکی از مهم‌ترین الگوهای حاضر در جامعه نقش بسیار حساسی در رفتار افراد جامعه، به‌ویژه در بین دانش‌آموزان دارند. آن‌ها نه تنها از طریق آموزش که از طریق نقش الگویی خویش، درهای معرفت و دانش را به روی انسان‌ها می‌گشایند و را و رسم زندگی را برای آن‌ها ترسیم می‌کنند. کسی که می‌خواهد یک معلم با تأثیرگذاری مثبت باشد، باید نقش الگویی خود را در جامعه درست اجرا کند.

یک معلم زمانی می‌تواند نقش تربیتی خود را به خوبی ایفا کند که میان رفتارها، هنجارها و ارزش‌های او و سایر هنجارهای جامعه، هماهنگی عقلانی وجود داشته باشد. امید است کسانی که پایه عرصه‌ی معلمی می‌گذارند، الگوها و اسوه‌های مناسبی برای تک‌تک دانش‌آموزان خود باشند و بتوانند با تربیت درست، حتی یک انسان، جهانی را تغییر دهند. معلمان سرمایه‌های یک جامعه هستند و وجود آن‌ها در انسان‌سازی و تعیین سرنوشت یک ملت را نمی‌توان هیچ‌گاه نادیده گرفت.

با تولد هر کودک تحول جدید در جهان شکل می‌گیرد؛ زیرا انسانی منحصر به فرد وارد این کره‌ی خاکی می‌شود، تعلیم می‌بیند، رشد می‌کند و می‌تواند سرنوشت جهان را تغییر دهد. عوامل مهمی می‌تواند در سرنوشت یک انسان مؤثر باشد که یکی از مهم‌ترین عوامل، معلم است.

در سیستم‌های آموزشی افراد زیادی مشغول به کارند و فعالیت‌های آن‌ها به طور مستقیم یا غیرمستقیم در تربیت دانش‌آموزان تأثیرگذار است، اما در این میان، نقش معلم بسیار برجسته است؛ زیرا بیشتر اوقات را دانش‌آموزان زیر نظر آن‌ها سپری می‌کنند و به همین علت، آن‌ها شکل‌گیری شخصیت خود را مرهون معلمان خود می‌دانند. پس باید کسی که در راه معلمی قدم بر می‌دارد بتواند قدرت تأثیرگذاری مثبت را در خود بالا ببرد. برای رسیدن به این، نخست انسان باید شخصیت خود را ارتقا دهد تا دیگران با الگوگیری از او در سیر تکامل شخصیت خود، به درستی کار کنند.

آدمی در همه‌ی حال در جستجوی قهرمان و اسوهای است که او را سرمشق خویش قرار دهد تا با پیروی از او به اهداف خود دست پیدا کند. معلم در همه جوامع نقش این قهرمان بی بدیل را به خوبی ایفا می‌کند، همان‌طور که اهداف تربیتی، در گرو رفتار و راه او است، همواره باید صفات اخلاقی برگزیده را دارا باشد.

معلم باید علاوه بر نقش هدایت، حمایت و تقویت، در رشد و پرورش ابعاد وجودی دانش‌آموزان نقش‌آفرینی داشته باشد. به عبارت دیگر تجربه‌ها و نظریه‌های علمی معلم نیست که در نظام تعلیم و تربیت مؤثر واقع می‌شود، بلکه کل شخصیت او در تغییر و تحول روحی و فکری دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد.

تمام فعالیت‌های او از طریق پوشش، گفتار و رفتار او تا افکار و اندیشه‌هایش در فرایند رشد کودک و نوجوان، دخالت و تأثیر مستقیم داشته و باعث ارتباط نسل‌ها با یکدیگر و حفظ و تکامل فرهنگ و جامعه می‌شود. معلم باید به آراستگی ظاهر و باطن خود اهمیت دهد، دارای می‌فرماید عزت نفس باشد و از اخلاق و رفتار ناپسند دوری کند.

زهرای یاری

آموزش استثنایی

مرکز امام خمینی کاشان





بپایگاه اجتماعی معلم موقعیتی است که برای یک معلم در جامعه قائل هستند، همچنین به احترام مثبتی که افراد جامعه به لحاظ ذهنی برای معلمان قائل هستند منزلت معلم گفته می‌شود.

ج. جایگاه معلم در ایران:

وجود شواهدی مبنی بر این که مشغولان به تحصیل در مراکز دانشگاه فرهنگیان به ندرت اولین انتخاب شغلی خود را معل می‌قرار می‌دهند، این تصور قدرت می‌گیرد که روند کاهشی در جایگاه و منزلت معلمان اتفاق افتاده است. رخی از علت‌های پایین بودن جایگاه مقام معل می در ایران:

۱. کمبود درآمد معلم؛
۲. پایین بودن مقام و اعتبار اجتماعی آنان؛
۳. سنگینی کار حرفه‌ای معلم؛
۴. جاذبه و کشش بخش‌های پولساز؛
۵. بی‌توجهی به شغل معل می و ترقی نداشتن آنان؛
۶. روی کار آمدن بعضی اشخاص ناآگاه و نلوارد نسبت به این شغل.

در سایه تلاش انسان‌هایی که دغدغه‌ی اصلی آن‌ها مخارج زندگی است، پرورش انسان‌های آزاد، خلاق، خردمند و کارآفرین بعید به نظر می‌رسد. در کارها و روابط اجتماعی، نگاه ترحم‌آمیز به معلمان به امری عادی تبدیل شده‌است. به سخره گرفتن معلمان درباره‌ی ساعت‌های کاری کمتر و تعطیلات تابستان، اهمیت این شغل را زیر سوال می‌برد؛ هرچند که در چند سال اخیر استقبال از شغل معل می بیشتر شده‌است و افراد با رتبه‌های پایین‌تر در کنکور نیز جذب دانشگاه فرهنگیان می‌شوند، اما متأسفانه دلیل استقبال از این دانشگاه‌ها نیز بیشتر به دلیل پایین آمدن امنیت شغلی در کشور است.

سیداحمد عبداللهی،

رشته علوم اجتماعی و رودی ۱۴۰

دانشگاه فرهنگیان اصفهان واحد دکتر

آیت نجف آباد

یکی از ارکان اساسی رشد و توسعه یافتگی کشورها، آموزش و پرورش است؛ زیرا آموزش و پرورش زیربنای توسعه است و سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش علاوه بر این که هم جنبه‌ی فرهنگی و هم جنبه‌ی اقتصادی را در بر می‌گیرد، یک سرمایه‌گذاری در آینده نیز محسوب می‌شود. نهاد آموزش و پرورش سعی دارد تا زمینه‌ی رشد فکری، علمی، اخلاقی و همچنین فرهنگی کودکان و نوجوانان را فراهم سازد. معلمان نیز در این خصوص نقش اصلی را ایفا می‌کنند، به همین دلیل است که می‌گویند معل می شغل انبیاست؛ زیرا یک معلم خوب و با اخلاق می‌تواند در مهم‌ترین بزنگاه‌ها الگوی مناسبی برای شاگردان به شمار آمده و مسیر فکری و زندگی آن‌ها را تغییر دهد.

الف. جایگاه معلم در نظام آموزشی الهی:

از نظر پروردگار عالم، کار معلم کار خداست و نقش او در جامعه نقش پیامبر اکرم (ص) است.

ب. جایگاه معلم از دیدگاه بعضی از علمای تعلیم و تربیت جهان:

فروبل: رشد و تکامل کودک در هر مرحله بستگی دارد به رشد و تکامل مرحله‌ی پیش و وظیفه‌ی معلم آن است که در هر مرحله لوازم و وسایل رشد و تکامل او را فراهم سازد. **کمینوس:** معلم فردی است که افراد را برای زندگی آماده می‌کند و هدف او این است که فرد دارای دانش، اخلاق و دین باشد.





بسیاری از کارکنان رسمی دولت در استخدام آموزش و پرورش اند و این در حالی است که در رده‌بندی حقوقی در پایین‌ترین مراتب قرار دارند. دستمزدها و به‌خصوص دستمزد معلمان مطابق نرخ تورم رشد نداشته‌است و غالباً کسانی که به حرفه‌ی معلمی اشتغال دارند، برای تأمین نیازهای خود به دنبال شغل دوم هستند؛ شغل دوم برای معلم به منزله صرف نیروی زیاد و به تبع آن خستگی مفرط و در نتیجه کاهش کارایی در محیط آموزشی است.

د. جایگاه معلمان در خارج:

کشورهای ژاپن، آلمان، کره‌ی جنوبی و سوئیس جزو کشورهایی هستند که بیشترین حقوق را به معلمان خود پرداخت می‌کنند. برای نمونه میانگین درآمد یک معلم در سوئیس طی یک سال معادل ۵۸۵۲۰ هزار دلار است و درآمد معلمان در آلمان ۴۸۸۰۰ هزار دلار و در ژاپن ۴۵۵۱۵ هزار دلار است. توجه به معلمان در دیگر کشورها صرفاً به معنای علاقه حاکمیت دیگر کشورها به این قشر نیست؛ بلکه میزان توجه آن‌ها را به ضرورت آموزش نسل‌ها و کاهش دغدغه‌های معلمان رانشان می‌دهد.

به طور کلی تازمانی که اهمیت فعالیت در آموزش و پرورش و تربیت نسل آینده برای جامعه روشن نشود و در این باره کارهای عملی مناسب صورت نگیرد، منزلت اجتماعی و جایگاه آنان آن گونه که شایسته توسعه منابع انسانی جامعه است، ارتقا نخواهد یافت. تزریق منابع و ثروت بیشتر می‌تواند باعث افزایش اعتماد به نفس معلمان شود و این پیام را به آنان برساند که کار و فعالیت آن‌ها برای جامعه اهمیت قابل توجهی دارد و آن‌ها را موظف به تلاش بیشتر برای آماده شدن در کار معلمی کند. اما متأسفانه زمانی که دانشجویان وارد محیط پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان می‌شوند، کمبودهای بسیاری را احساس می‌کنند، به گونه‌ای که تصور می‌کنند تنها وارد دبیرستان بزرگتری شده‌اند و تنها تفاوت آن حضور استادان به جای معلمان و عدم زنگ تفریح است و این حس در میان آن‌ها قوت می‌گیرد که برای سیستم آموزشی و جامعه اهمیت زیادی ندارند و انگیزه‌های آن‌ها در طول زمان تحصیل کمتر و کم‌تر می‌شود.

منزلت و احترام اجتماعی تحت تأثیر دو عامل دارایی و ارزیابی‌های ذهنی افراد یک جامعه تعیین می‌شود؛ همچنین پرداختن به مقوله‌های منزلت علم، تدریس و معلم بدون توجه به جایگاه این مقوله‌ها در جوامع جدید و قدیم ممکن نخواهد بود. با توجه به گذار جامعه سنتی ما به جامعه مدرن که گاه همراه با تغییر پارامترهای ارزش‌ها و هنجارهای سنتی است، سست شدن پایگاه معلمان را هم می‌توان یکی از پیامدهای این گذار تلقی کرد.

تا کنون وقتی سخن از احیای منزلت معلمان در جامعه پیش می‌آمد، تنها به ابعاد رفاهی، اداری و آموزشی اشاره و بر روی آن تمرکز می‌شد. اما آنچه که امروزه کم‌تر در کلاس‌های درس به آن توجه می‌شود، تکریم رابطه اجتماعی استاد و شاگرد و ضرورت توجه به ارزش‌های معلم توسط متعلمان است. در سال‌های اخیر شاهد اعتراضات گسترده معلمان نسبت به عدم دریافت حقوق معوقه و دیگر مشکلات مادی زندگی آن‌ها بودیم. تنزل وضع اجتماعی حرفه معلمی نیز با کاهش نسبی قدرت خرید در ارتباط است.





معلمی شغل است یا حرفه؟



پس حالا می‌توان چرایی تفاوت این فعالیت را با دیگر شغل‌ها یا حرفه‌ها بیشتر درک کرد. شما به عنوان معلم، موظفید با کودک یا نوجوان به زبان سن خودش صحبت کنید؛ با مدیر مدرسه و کادر اجرایی آن با لحنی دیگر و با والدین دانش‌آموزان نیز به نحوی متفاوت. اگر معلمی را یک حرفه بدانیم، پس معلم باید برای یک سال تحصیلی اش طرح درس سالانه و روزانه داشته باشد، برنامه‌ریزی اقدامات غیر قابل پیش‌بینی را کرده باشد، و مهم‌تر از همه، در کنار کتاب درسی برای دانش‌آموزان نکات ارزشمندی را ارائه دهد. این یک برنامه‌ریزی بلندمدت در راستای پیشرفت کاری یک معلم است. البته که این پیشرفت باز یاد شدن سال‌های تدریس و بیشتر شدن تجربه، به شکل سریع‌تری نیز حاصل می‌شود.

حال، اگر بخواهیم با نگاه تیزبینانه‌تری به موضوع نگاه کنیم، معلمی برای یک عده شغل محسوب می‌شود و برای یک عده‌ای نیز، حرفه. اگر معلمی را تنها در تدریس کتاب‌های درسی خلاصه کنیم و نخواهیم پا را از این فراتر بگذاریم، در همان تعریف «شغل» و می‌مانیم، اما اگر معلمی را حرفه بدانیم، باید در کنار تدریس، هنر درست زیستن را به دانش‌آموزان یاد داد. مهارت هم کلامی با دیگران، همکاری و همیاری با یکدیگر و در کنار همه این‌ها، اجازه دادن به دانش‌آموز که در عمل کردن، بعضی مسائل را یاد بگیرد و تنها به خواندن درس و به زبان آوردن آن بسنده نکند. در این راه معلم باید بداند که هر لحظه باید برای پیشرفت، یاد بگیرد و اندوخته جمع کند. شما باید به عنوان معلم، ارتقای مهارت‌ها و دانش را به عنوان هدف همیشگی خود قرار دهید. اگر می‌دانید که می‌خواهید کدام مسیر حرفه‌ای را ادامه دهید، باید بدانید که برای رسیدن به آن، به چه تخصص و تجربه‌ای نیاز دارید. زمانی که از

شرایط آن آگاه شدید، به دنبال ارتقای صلاحیت‌های خود از طریق تمرین در شغل فعلی، آموزش رسمی و دوره‌های آموزشی باشید.

در گذر از جملاتی مثل «معلمی شغل نیست، عشق است» یا «معلمی شغل انبیاست» می‌خواهیم به بررسی این نکته بپردازیم که اساساً معلمی یک شغل است یا یک حرفه؟

عنوان «معلم» در نظر عموم مردم به عنوان یک فعالیت منحصر به فرد محسوب می‌شود. فعالیتی که نه مثل یک سری از مشاغل و حرفه‌های اداری، ارباب رجوع دارد و نه مثل یک سری دیگر، کاربرد خدماتی یا عرضه و تقاضا دارد. یک فعالیت خاص که در آن، شما در طول یک سال تحصیلی، به عنوان مربی، آموزگار یا دبیر، برای امر تدریس یا مفاهیمی بالاتر از یک تدریس (که در ادامه به آن خواهیم پرداخت) با تعدادی از دانش‌آموزان سرو کله می‌زنید و در برابر آن‌ها، مدیر مدرسه و خانواده آن‌ها مسئولیت بخشی از این مسئولیت نیز به خود معلم برمی‌گردد. این یعنی یک بازه وسیع از مراجعان غیر ملموس اما محسوس. در ادامه بیشتر این مسئله را کندوکاو می‌کنیم

حالا بیایید به این بیان این مسئله بپردازیم که تفاوت شغل و حرفه در چیست؟ شغل می‌تواند تنها در «داشتن یک کار برای رفع نیازهای مالی» خلاصه شود اما حرفه به معنی انجام کار، کسب تجربه و دانش در جهت پیشرفت و ارتقای مهارت‌هاست. می‌توانیم این‌طور بگوییم که زندگی مانند یک بازی کامپیوتری است و شغل، فقط یک مرحله از آن بازی است. اما داشتن حرفه، به معنی دادن تعهد برای بازی کردن است که هر چه جلوتر می‌رویم روز به روز رشد و پیشرفت بیشتری می‌کنیم. شغل یک انتخاب و هدف کوتاه مدت است اما حرفه مستلزم هدف‌گذاری و برنامه بلندمدت، تلاش برای اجرای آن برنامه و به ثمر نشستن آن است.

با یک حساب و کتاب ساده پس از صحبت‌های بالا، می‌توان گفت معلمی در نهایت، باید یک حرفه باشد نه شغل! شما در این کار، قرار است برای هشت ساعت روزانه از یک سال تحصیلی تعدادی دانش‌آموز برنامه‌ریزی کنید؛ این که چه مقدار از کتاب درسی باید در یک جلسه گفته شود، چه مقدار همکاری دانش‌آموز با معلم نیاز است، در چه جاهایی نیاز به همکاری دانش‌آموزان با یکدیگر است، در چه بزنگاه‌هایی باید دانش‌آموز را متوجه درس کرد، در کجا باید او را به تناسب اشتباهاتش متنبه کرد و تا چه حد و اندازه‌ای باید با دانش‌آموز دوست بود. علاوه بر این حوزه، شما باید نسبت به گزارش مسائل مختلف، جوابگوی مدیر مدرسه باشید. بسته به موقعیت‌های خاص، باید آماده شنیدن هر گونه نقد یا حتی پر خاش از جانب والدین باشید. و این یعنی یک حوزه وسیع از «مراجعان غیر ملموس ولی محسوس!»

علی بابایی، آموزش ابتدایی، مرکز شهید آیت نجف آباد

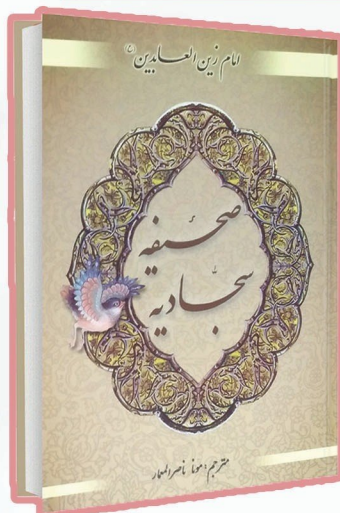
رمضان قبله گاه تربیت و مطلع حیات طیبه در دعای ۴۴ و ۴۵ صحیفه سجادیه

انسان خود را برای ابدیت می سازد و لازمه ی آمادگی برای ابدیت، توجه به ابعاد مختلف تربیتی و عبور از حاکمیت بدن و پرورش دادن روح، در حیات متعالی تر از حیات دنیایی یعنی حیات طیبه است. ماه مبارک رمضان و روزه داری، زمان ظرفیت ساز تربیتی و کسب بینشی نافذ و روشن برای رسیدن به آن است. با انجام اعمال خردمندانه در این ماه، این زمینه فراهم می شود که انسان از بحران های اخلاقی و زندگی سرد و منجمد دنیا را گرد و به واقعیت های معقول و حقایق هستی برسد. دانستن حقیقت، کار عقل است و قلب و قالب روزه، رشد همه جانبه ی استعدادها و رسیدن به حقیقت قدسی را برای انسان فراهم می سازد. امام سجاد علیه السلام قهرمان معنویت، در دعای ۴۴ و ۴۵ صحیفه سجادیه خاستگاه و سبک زندگی اسلامی و ساغر محبت به حضرت حق را در قالب دعا ترسیم نموده است. لذا می توان گام های رشد و تعالی تحقق ساحت های ششگانه تربیتی را در جملات و عبارات حضرت مشاهده نمود. استقبال از ماه مبارک رمضان مرحله بینشی است که حضرت زین العابدین ستایش گونه به آن می پردازد: «خدا را سپاس که دینش را به ما هبه کرد و ما را به آیینش اختصاص داد و در راه های احسانش وارد کرد؛ خدا را سپاس که از جمله آن راه های احسان، ماه خود، ماه رمضان را قرار داد؛ ماه روزه و ماه اسلام، ماه پاک کننده، ماه آزمایش، ماه قیام به عبادت و ماهی که قرآن را در آن نازل کرد که سراسر برای مردم هدایت است و نشانه هایی روشن از هدایت و جداکننده بین حق و باطل؛ پس برتری اش را بر ماه های دیگر، بر پایه احترامات زیادی که برایش قرار داد و فضیلت هایی که بین مردم مشهور است، آشکار ساخت.» حضرت ره آورد این ماه که بازتاب شناخت از روزه و بهجت های بی شائبه و بی رقیب سالکان راه است را در دعای ۴۵ از خداوند خواستار است تا با آگاهی در عبادت، حرکت مستمر و مستقیم پایبندی به ارزش ها و عمل صالح ایجاد شود و لذت های خالص از میان نرود و اذعان دارد دغدغه های ما، موانع سیر به مقصد های متعالی پایه و اساس ندارند لذا در دعا می فرماید: «بار الهی هر کس که این ماه را آن طور که بایسته است رعایت کرده، و احترامش را آنچنان که باید حفظ نموده، و حدودش را به بهترین صورت بپاداشته، و از گناهانش به نحو صحیح پرهیز کرده، یا به وسیله کار خیر به تو تقرب جسته که موجب خشنودیت از وی گشته، و رحمتت را متوجه او نموده، پس مانند آنچه به او بخشیدی از توانگری خود به ما ببخش، و چندین برابر آن را از فضل خود به ما عطا فرما، زیرا که فضل کاستی نگیرد، و خزائن نقصان نپذیرد بلکه افزون می شود،

و معادن احسانت از بین نمی رود، و همانا عطای تو گوارا عطایی است. پروردگارا عذر ما را در کوتاهی از ادای حقت بپذیر و عمرهای ما را که پیش روی ماست، به ماه رمضان آینده برسان؛ و چون ما را به آن رساندی، بر انجام عبادتی که شایسته توست، یاریمان فرما؛ و به انجام طاعتی که سزاوار آن ماه است، برسان؛ و عمل شایسته ای که سبب تدارک حق توست، به دست ما جاری فرما.» همین رو می توان به رویکرد سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، از دریچه نگاه حضرت زین العابدین علیه السلام در این دو دعا پرداخت و بررسی نمود که چگونه در حریم عظیم ماه مبارک رمضان، معنای عمل صالح و ایمان (آیه ۹۷ نحل) انسان موحد، شخصیت و هویت انسان در تراز انقلاب، شکل می گیرد. بنابراین دعا و نیایش در ماه رمضان، عمل حیاتی و خردمندانه ای برای کشف شخصیت وجودی، و در کل و مختصات بزرگ تری می تواند، آفات غفلت از حضور حق را بزدايد و جوارح را مؤدب به حکم حق تعالی برای تحقق یک جامعه صالح نماید. بنابراین به صورت یک قانون کلی نتیجه اعمال صالح توأم با ایمان با استمداد از خداوند برای توفیق عمل و آموزش بازبان گفتاری، در جامعه نهادینه می گردد. لذا با تبیین این دو دعا و با تأکید به ابعاد ششگانه تربیتی سند تحول بنیادین به برخی از مؤلفه ها و مصادیق هر یک از ساحت های تربیتی در این دو دعا پرداخته می شود تا به یاری حق تعالی قدم ها و انگیزه های اصلاح نفس و مبادرت به عمل صالح در انسان و تحقق جامعه صالح تبیین گردد. انشاء الله در شماره آتی جدول مولفه ها و مصادیق هر یک از ساحت ها به تفصیل آورده و مقایسه میشود

الهه خیر الهی

کارشناس پژوهش و تحقیق ناحیه ۴





فردای آن روز من در مورد نظم و ادب و احترام و مزایای آن در کلاس صحبت کردم و گفتم که به دانش‌آموزان مؤدب هر چند که تنبل هم باشند نمره اضافه خواهم کرد. در وسط صحبت‌ها و نصیحت‌هایم نیز گفتم اگر در نظافت کلاس یا حتی خانه هم فعال باشید نمره و امتیاز به شما خواهم داد و به سبب آن جایزه دریافت می‌کنید. یکی از خوبی‌های کلاس من این است که تمامی دانش‌آموزانم خودشان کلاس را نظافت می‌کنند و حتی برای این که در این کار ناحقی نشود خودشان بصورتی نوبتی این نظافت را انجام می‌دهند. اگر چه که در اوایل سال تحصیلی تعدادی از آنان بارها به من گفته بودند: «مادرم گفته است که نباید مدرسه و کلاس را

تمیز کنی چون ممکن است بیمار شوی!» من هم همان روزها با مسابقه و تشویق و نصیحت‌هایم به صورت غیرمستقیم این اشتیاق را

در وجود آن‌ها ایجاد کردم تا اینک بحمدلله تمامی آن‌ها فارغ از شغل پدرشان برای نظافت کلاس به صف می‌ایستند. خلاصه بعد از این که همه دانش‌آموزان را جریمه کردم آنها هم برای اینکه به من نشان بدهند دیگر منضبط شده‌اند و این گونه بی‌نظمی‌ها از آن‌ها سر نخواهد نزد، بادکنک‌هایی که برای تزئین روز ۲۲ بهمن به کلاس آورده بودند را پراز تکه‌های کوچک کاغذ رنگی کردند و هنگامی که من وارد کلاس شدم به صورت غافلگیرانه روی سر من ترکاندند و آن لحظه باعث خوشحالی من شدند. من نیز به آن‌ها قول دادم که بعداً برای آن‌ها جشن خودکار خواهم گرفت. در روزهای بعد که اولیاء به من مراجعه کردند گفتند که فرزندشان نسبت به ماه‌های قبل خیلی در امور خانه به آن‌ها کمک می‌کند و به این خاطر از او راضی‌تر شده‌اند.

محسن آتش‌زر

روزهای شروع تدریس در یک کلاس دو پایه چهارم و پنجم بود که قرار شد معلم این کلاس باشم. مدت کم‌هی و در حد دو ترم فقط به کارورزی رفته بودم که مدتی نیز آمیخته با فضای مجازی بود.

در مدت کارورزی وقتی تدریس معلم کلاس را می‌دیدم، با خود فکر می‌کردم واقعاً تدریس چه کار مشکل و طاقت‌فرسایی است! پنج روز از هفته از صبح تا ظهر باید یک‌سره حرف بزنیم و این کار چقدر سخت و طاقت‌فرساست و در آخر سر حنجره‌ای برای ما باقی نخواهد ماند. از آن طرف سر و کله زدن با بچه‌های کوچک به سختی این کار می‌افزاید. علاوه بر آن تدریس جلوی بچه‌ها و این که بتوانیم منظور خود را شفاف عنوان کنیم هم برای من یک چالش بزرگ و جدی بود. در این سال جدید قرار شد من نیز به عنوان نیروی حق‌التدریس وارد کلاس شوم. ابتدا فکر می‌کردم که من را در یکی از مدارس داخل شهر بگذارند اما بعداً ما را به روستا منتقل کردند ولی روستا به شهر نزدیک بود و این

مورد خود یک مزیت خوب بود.

روز اول که وارد کلاس شدم از استرس دائماً عرق می‌کردم و صدایم بریده بریده می‌شد و نفسم بالا نمی‌آمد. دانش‌آموزان به طور هماهنگ به من زل زده بودند و من آن روز هر طور هم که بود توانستم قوانین امسال

کلاس را توضیح بدهم. بانیمچه تجربه‌ای که داشتم تصمیم گرفتم روز اول خودم را با ابهت و اقتدار نشان دهم. شنیده و خوانده بودم که دانش‌آموزان در ماه اول و علی‌الخصوص در هفته‌ی اول معلم کلاس را برانداز می‌کنند و خودشان تکلیف خود را مشخص می‌کنند. از طرفی از قدیم معروف است که: «جنگ اول به از صلح آخر». خلاصه تمام دانش‌آموزان غرق در قوانین نسبتاً سخت کلاس بودند و با خود فکر می‌کردند که امسال سال سختی در انتظار ماست. همین‌طور تا چند ماه اول که بسیار پایبند به قوانین بودند اما در یکی از روزها، یکی از دانش‌آموزان در کلاس بی‌انضباطی کرده و من نیز او را برای لحظاتی اخراج کردم. بعداً برای آن که جلوی این گونه بی‌انضباطی‌ها را بگیرم به روش نظامی عمل کردم؛ یعنی: (تشویق برای یک نفر، تنبیه برای همه). سپس تصمیم گرفتم از همه آن‌ها نمره کم کنم و این موضوع را نیز به خودشان هم گفتم تا بخوبی اثر خود را نشان دهد. دانش‌آموزان نیز همه ناراحت شدند.



اثربخشی نقش مشاوران مدارس در رفع اختلالات تحصیلی دانش آموزان

توجه به تفاوت‌های فردی دانش آموزان، رفع سرگردانی آن‌ها در انتخاب رشته تحصیلی و شغل، پرداختن به مسائل مهم و ارتباط اجتماعی آن‌ها با دیگران، کمک به حل مسائل عاطفی، روانی و خانوادگی که به دلیل کمبود وقت، عدم آگاهی والدین و به‌ویژه دوران حساس و پر مخاطره نوجوانی و دیگر این که ممکن است مانع از پیشرفت یادگیری و رشد صحیح دانش آموزان شود از جمله نقش‌هایی است که مشاوران در مدارس ایفا می‌کنند (قاسمی، ۱۴۰۰). دانش آموزی که درگیری ذهنی داشته و در طی فرایند یادگیری دچار مشکل می‌شود، دبیر به علت عدم فرصت مناسب و شخص دانش آموز به خاطر عدم اطلاعات کافی نمی‌تواند در حل مشکلات پیش رو به تنهایی تصمیم گرفته و گامی بردارد و اینجاست نقطه‌ای است که احساس نیاز می‌شود به متخصص در این حوزه که با اطلاعات و بلندنظری راهنمای دانش آموز شود.

با توجه به این که رفتار، گفتار، کردار، ذهنیت و مهارت در یکایک دانش آموزان با یکدیگر متفاوت است، حضور مشاوران در مدارس می‌تواند در شناختن صحیح این مؤلفه‌ها ایفای نقش نموده و مسیر مطلوب‌تر و تا حدودی بدون اختلالات و کم‌تنش‌تری را در دوره تحصیل و حتی فراتر از آن نیز فراهم آورد.

بنابراین وجود مشاوران در مدارس امری ضروری بوده و انتظار می‌رود مسئولین محترم بیش از پیش نسبت به این مسئله توجه داشته و با تدابیر حکیمانه در بهره‌وری آموزشی اقدامات مناسبی را انجام دهند.

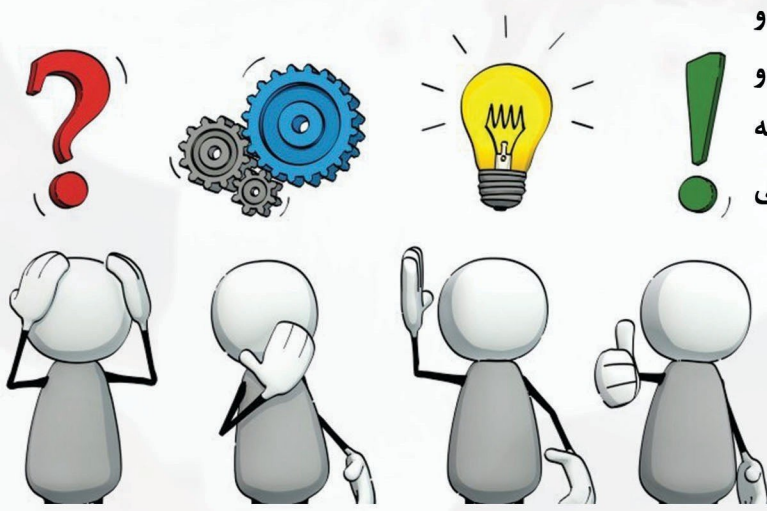
مشاور و مشاوره‌دهی از روزگاران قدیم، جزو فرایندهایی بوده که در گرفتن تصمیم‌های مطلوب در همه‌ی حوزه‌های زندگی کمک شایانی نموده است. بابررسی همه‌ی نظام‌های آموزشی اهمیت این وظیفه‌ی خطیر بیش از پیش نمایان‌تر می‌شود.

مشاوره، بهره‌گیری از یک رابطه‌ی اصولی و ماهرانه برای تسهیل خودشناسی، قابلیت پذیرش و رشد عاطفی و رشد مطلوب توانایی‌های فردی است. هدف همه جانبه‌ی آن فراهم نمودن فرصتی برای حرکت به سوی یک زندگی رضایت‌بخش و هدفمند است (اصغری و همکاران، ۱۳۸۷). بدیهی است که جای این امر مهم در فرایند یاددهی-یادگیری نیز حائز اهمیت بوده و همواره از بدیهی‌ترین حقوق دانش آموزان در مدارس است. مشاور متخصصی که در مدرسه اتاقی آراسته بر اساس اصول و استانداردهای روان‌شناسی دارد و با برقراری رابطه‌ی دوسویه همراه با صمیمیت به دنبال کشف ویژگی‌های دانش آموزان است، به نوعی نقش یک روشنگر آگاه را هم برای دانش آموز و هم برای جامعه اجتماعی ایفا می‌نماید. مشاور دلسوزی که سعی می‌کند با انجام و بررسی آزمون‌های شخصیت‌شناسی، مهارت‌شناسی و علاقه‌ورزی کمک کننده، به عبارتی رفع کننده بلا تکلیفی دانش آموز شود؛ دانش آموزی که شاید به دلیل عدم آگاهی کافی از وضعیت خود و همچنین عدم آگاهی کافی والدین، راهی را به اشتباه انتخاب کند و این مسیر اشتباه را که نه در توانش است و نه در زمره‌ی علاقه‌اش را همواره سالیان سال ادامه دهد و در نهایت دانش آموز تبدیل می‌شود به عضوی از جامعه که بی‌رغبت و بی‌انگیزه است و صرفاً گذران اوقاتی می‌کند بی آن که احساس رضایتی داشته باشد.

رقیه شیردخت، دبیر علوم اجتماعی، آموزش و پرورش تسوج

منبع:

اصغری پور، حمید، اصغری پور، نگار، فضلی خانی، منوچهر. (۱۳۸۷). مشاوره با دانش آموزان در مدارس (مهارت‌ها و کاربردها برای معلمان). تهران: ورا دانش. قاسمی، امین الله. (۱۴۰۰). اثربخشی مشاوره در رفع مشکلات و اختلالات دانش آموزان در مدرسه. فصلنامه علمی رهیافت‌های نوین در مطالعات اسلامی.



ما باید یاد بگیریم که چگونه احساسات مثبت خود، از جمله عشق، امید، لذت و... را ابراز کنیم و چگونه احساسات منفی خود از جمله خشم، ترس، نفرت، احساس گناه و... را به گونه‌ای سازنده و غیرمخرب ابراز کنیم. در حقیقت کوری و بی سواد عاطفی این‌طور است که احساسات و عواطف، برخلاف ما هستند اما وقتی که از نظر عاطفی و هیجانی باسواد می‌شویم، می‌توانیم کاری کنیم که احساسات و عواطف، با ما و دیگران دوست شوند و به نفع ما در روابطمان وارد عمل شوند.

نکته جالب این تحقیق، این است که بسیاری از آدم‌های زرنک و باهوش در زمینه امور عاطفی و احساسی خیلی بد عمل می‌کنند. ما روابطمان را با احساسات خویش از دست داده‌ایم و هرگز نحوه صحیح برخورد و رفتار با عواطف را به ما نیاموخته اند. چرا چنین اتفاقی رخ داده است؟ همه ما از نظر عاطفی و احساسی بی‌سواد هستیم؛ زیرا بارها و بارها از جانب احساسات، ضربه خورده‌ایم و می‌خوریم و تجارب دردناکی در این مورد داریم و به همین خاطر همه کانال‌های عاطفی و هیجانی خود را مسدود کرده‌ایم.

فاطمه فرید،

آموزش شیمی، دانشگاه نسیبه

واحد شهید شرافت تهران

سواد عاطفی یعنی برخورداری از این توانایی که احساسات و عواطف خود را به نحو احسن بروز بدهیم تا کیفیت زندگی و مهم‌تر از آن ارتباط با اطرافیانمان را بهبود بخشد. اگر بخواهم کوری عاطفی را به شیوه‌ی روان‌تعریف کنم، وقتی افراد نمی‌توانند برای بیان احساسات درون خود، واژگان مناسب پیدا کنند و میان احساسات منفی خود تفاوت قائل شوند، البته نکته قابل توجه این است که آدم‌ها نیاز دارند، بشنوند که شما دوستشان دارید، دلتنگشان هستید، جایشان خالی بود و در این شرایط است که بسیاری از مشکلات به آسانی حل می‌شوند. این افراد در عملکرد هوایی همچون تفکیک کردن احساسات خوب و بد دچار مشکل می‌شوند؛ در حقیقت این افراد به رشد عاطفی کامل نرسیده‌اند.

از آنجایی که یکی از شروط ازدواج، رسیدن به رشد عاطفی است، پس اگر به دنبال راه کار نباشیم مشکلات زنجیره‌وار از جمله طلاق عاطفی میان زوجینی که در کنار هم زندگی می‌کنند اما با هم غریبه هستند به وجود می‌آید. از طرفی طلاق عاطفی زوجین می‌تواند باعث مشکلات دیگر همچون خلاء ارتباطی-عاطفی بین والدین و فرزندان و به وجود آمدن مشکلات اجتماعی همچون اعتیاد به خصوص برای سنین پایین شود. یاد بگیرید که بتوانید در شرایط مختلف عواطف و احساسات خود را مدیریت کنید، البته شرایط برای آب و هواست؛ آیا بر عواطف و هیجانات خود تسلط دارید؟ شناخت عواطف خود و دیگران برای رسیدن به سواد عاطفی کافی نیست و لازم است.

ما همچنین نیاز داریم که بدانیم چه مواقعی احساسات و عواطف خود را ابراز کنیم و چه مواقعی از بروز آن‌ها جلوگیری کنیم، دقیقاً چیزی که این نوع افراد محروم هستند. همچنین برای این که روابط سالم و خوب با اطرافیان داشته باشیم باید بدانیم که ابراز احساسات یا عدم ابراز آن، چگونه و چه وقت به دیگران اثر می‌گذارد.



سینه‌خام شمرده شمرده از فراق تبکوم شرح ده شتین

محرمان موش جنتی، موش نیست مرزبان مشتری جز گوش نیست

اگر ما توان و هنر دوست شدن با جوان خویش را در خود ایجاد نماییم و بین خود و عزیز دلبندمان یک رابطه صمیمی برقرار نماییم، اعتماد جوان مان را به سوی خود جلب نموده و آن گاه است که وی سرها و غم‌ها و عقده‌های دل خویش را برای ما به راحتی بیان می‌نماید چرا که وی ما را دوست و رفیق شفیق خویش می‌داند و انسان به دوستی صمیمی خود اعتماد و اطمینان دارد.

۲. بالا رفتن شور و امید در جوان :

فرزند چون گلی است که برای شاداب ماندن بیش از هر چیز، نیازمند به محبت و توجه پدر و مادر خویش دارد و هنگامی طمع محبت را از پدر و مادر خویش می‌چشد که ایشان با وی یک رابطه صمیمی و عمیق ایجاد نمایند و جوان اگر چه از نظر جسم برومند و تنومند شده است اما در درون این جسم قوی دلی نازک و ظریف دارد همانند دوران خردسالی. در خانواده‌ای که بذریع محبت و مهر پاشیده‌اند و دوستی و رفاقت بین والدین و فرزندان برقرار می‌باشد، شور و نشاط در میان اهل خانه به ویژه فرزندان این خانواده موج می‌زند. جوان پدر و مادر خود را تکیه گاه خود می‌داند او از زمانی که چشم زیبایش را به روی دنیا باز نموده همیشه پدر و مادر را در کنار خود و حامی خود دیده است او دوست دارد که آن‌ها برای همیشه حامی و پشتیبان وی باقی بمانند و برقرار بودن رابطه گرم و دوستانه با پدر و مادر را نشانه بهره‌مند بودن از حمایت آنها می‌داند چرا که انسان هر کس را دوست بدارد و پشتیبانی از وی می‌

جوانی فصل شورانگیز زندگی و مظهر نشاط و سازندگی است. روح لطیف و قلب ظریف جوان جلوه‌ی زیبای آفرینش و صحیفه مصفای هستی است. شور زندگی و آهنگ سازندگی در نگاه روشن و امیدوار جوان متجلی است. اگر شور و احساس جوانی با شعور عمیق دینی و سلاح توانای ایمان الهی تجهیز شود، سعادت نسل جوان و سلامت جامعه تضمین خواهد شد.

جوانان همواره کانون توجه به مصلحان و آماج تهاجم مفسدان بوده‌اند، زیرا عالم جوانی همان گونه که منشأ شورانگیزترین تجلیات عاطفی، روحی و بالندگی است. در معرض فتنه‌انگیزترین آسیب‌های فردی، اخلاقی و اجتماعی نیز هست. بر این اساس، غفلت از تربیت و هدایت نسل جوان، موجب خسران و مایه حرمان دولت‌هاست.

اهمیت تعامل با جوان

در حدیثی از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) آمده است که فرمود: «فرزند هفت سال مولا، هفت سال بنده و هفت سال وزیر است. پس اگر در سال بیست و یکم روحیات او مورد رضایت تو بود (شکر خدای نما)، و الاّ او گذار که در پیش خدا معذوری». بنا بر این حدیث شریف، فرزندان در هفت سال سوم که سنین جوانی است، در حکم مشاور و وزیر خانواده هستند. جوانان، بزرگ‌ترین سرمایه خانواده‌ها و اجتماع هستند که در صورت بهره‌مندی از استعدادها، توانایی‌ها و توانمندی‌های بالقوه به ودیعت نهاده در وجودشان، می‌توان سعادت جوان و نیز خانواده و اجتماع را تأمین کرد. داشتن یک ارتباط خوب و صمیمانه با جوان، لازمه بهره‌مندی از این استعدادها و توانمندی‌هاست. برای داشتن این ارتباط صمیمانه، ابتدا باید ویژگی‌های روحی، روانی و شخصیتی جوان را شناخت.

آثار مثبت ایجاد دوستی با جوان

۱. محرم اسرار شدن:

گنجایش سینه انسان محدود است و تاب تحمل درد و اندوه بسیار را ندارد برخی از اندوه‌ها و رازها و سرها آنقدر آتشین و سوزان است که سینه دیگر تاب در خود نگهداری آن‌ها را ندارد؛ در این صورت است که انسان همانند شخصی تشنه سرگردان در کویر بی‌آب ملتسمانه به هر سو خیره می‌نگرد تا شاید جرعه آبی هرچند ناچیز بیابد و تشنگی خود را برطرف نماید، به پیرامون خود خوب می‌

نگرد تا دوستی بیابد و سفره دل باز نماید و عقده خود را برطرف نماید، بر پیرامون خود خوب مین‌گرد تا دوستی بیابد و سفره دل باز نماید و عقده دل گشاید و لطف و احسان و همدردی دوست وی چون بارانی بهاری سینه داغدار و آتشین وی را سرد و خاموش و خرم سازد یکی از دلایل میان فطری و غریزی انسان به دوست همین درد و دل کردن‌ها و عقده گشادن‌ها است.



۳. باور نمودن ما و کلام ما:

آرزوی بسیاری از پدر و مادران در مورد جوانشان این است که به آنان و کلام آنان به دیده احترام بنگرند و هرگاه از روی خیرخواهی به فرزند خود سخنی گفتند و یا نصیحتی نمودند جوان آنان به کلامشان گوش جان سپرد و در عمل خود نظر آنان را دخیل نماید. زمانی این گروه پدر و مادران به آرزوی خود می‌رسند که با بسیاری از کشمکش‌های درون خانواده خود وداع کنند و بتوانند جایگاه یک دوست واقعی و هم زبان را برای جوان خود پر نمایند و آن‌گاه است که جوان پدر و مادر خویش را باور خواهد نمود و کلام آنان را کلید نجات درهای بسته زندگی خود خواهد دانست.

یکی از مواقعی که جوان ما نیاز شدید به ما و راهنمایی و مشورت ما دارد آن زمانی است که وی می‌خواهد دست به انتخاب همسر بزند، اگر در این زمان حساس که وی می‌خواهد مهم‌ترین تصمیم زندگی خویش را بگیرد پدر و مادر خود را باور داشته باشد و به کلام آنان و مشورت آنان گوش دهد و نظر آنان را در تصمیم‌گیری نهایی خویش دخیل نماید بدون تردید پدر و مادر با ایجاد این رابطه دوستی و عاطفی با جوان که متجر به باور نمودن آنان توسط جوان شده‌است، بزرگ‌ترین لطف و احسان را در حق فرزند خود نموده‌اند و به وظیفه مهم خود عمل نموده‌اند.

۴. شوخی و خنده را فراموش نکنید

شوخی و خنده سبب سلامت روحی-روانی و در واقع باعث مهار ناامیدی، استرس و عصبانیت می‌شود. شوخی و بذله‌گویی همچنین باعث سلامت جسمانی شده، آرامش را افزایش داده و استرس و فشار روحی را کاهش می‌دهد. پژوهش‌ها نشان داده‌است افراد خشن، عصبی و غیر شوخ بیشتر از دیگران در معرض بیماری‌های جسمانی هستند و از زندگی خود نیز لذت کمتری می‌برند. البته توجه به این نکته نیز ضروری است خندیدن در مورد یک جوک، داستان یا حتی اشتباهات خودمان تجربه‌ای مفید و سلامت‌بخش است، اما شوخی‌هایی که سبب شرمندگی، مسخره کردن و خجالت دادن کسی شود، نه تنها خنده‌دار نیست بلکه مضر و مخرب نیز است. شوخی باید حال و هوای خوبی را به لحاظ روحی روانی در افراد ایجاد کند، نه این که سبب ناراحتی‌شان شود.

**فاطمه ابن علی، رشته زبان و ادبیات فارسی،
مرکز امام خمینی ره کاشان**

منبع

محمد صدری، حکمت‌نامه جوان، محمدری شهری، ناشر
دار الحدیث، چاپ پنجم، ۱۳۸۶

<https://www.balagh.ir/content/13287>



آسمانم، ای برف نبار!

همشهری‌ام سقفی بالای سرش ندارد تا این که جمعیت هلال احمر و مردم عزیز از شهرهای دیگر دست به کار شدند، از آن‌ها بی‌کرایه سپاس گزارم و دست بوسشان هستم.

و اما این روزها تویی که داغدار، حالت چه‌طور است؟ هر لرزش کوچیکی، لرزش بزرگی بر وجودت است ولی خوب می‌دانم چه در انتظارت است، تنها می‌مانی با لباس‌های به جا مانده از عزیزت و در دیوارای پر از خاطره و بویش که هنوزم حس می‌شود. شرایط خیلی بدی است چون قبلاً هم تجربه‌اش کرده‌ام.

می‌دانی ای مهمان ناخوانده، ای زلزله! با آمدنت، روستایمان را شناختند. می‌گویند کمک به زلزله‌زده‌ها ثواب دارد، درست ولی مگر کمک به روستائیان بر زندگی بهتر ثواب ندارد؟

با این زلزله خیلی‌ها درس عبرت گرفتند (قطره‌ای از دریای قیامت)؛ راستی چرا برخی آدم‌ها برای بیدار شدن و لرزیدن قلبشان به هفت ریشتر لرزه شاید هم بیشتر، احتیاج دارند؟

می‌دانی زلزله به چه فکر می‌کنم؟ به روستای بعدی، ثواب بعدی،

در مانگاه بعدی و به زنده‌های لودر و همدلی ندیده، به پدرهای روستاهای دیگر که با تنگدستی آوارهای بعد را تکه تکه بر سقف خرابش می‌چینند تا روزی عزیزش را از زیرش بردارد، می‌دانی زلزله، ما که رفتیم و از ما گذشت ولی خدا کند روزی بنویسند ز زندگی.

راستی شما آخرین زلزله زندگیتان چند ریشتر بود و در آن زلزله چه چیزهایی از دست دادید؟

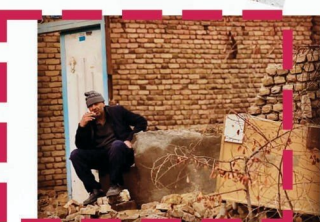
باید که دوباره از نو بسازی جهان را
زندگیت را
باورت را
مهم شروع کردن دوباره است!

**فاطمه فرید، آموزش
شیمی، دانشگاه نسیمه
واحد شهید شرافت**

پنج‌شنبه به تاریخ ۶ بهمن ماه ۱۴۰۱ یعنی روزی که نگاهم را به هر سویی می‌اندازم، لبخند بر مخلوقات خداوند نقش بسته است؛ چرا که بعد از مدتی قرار است دانشجویان به خانه‌هایشان بازگردند. من فاطمه اهل خوی از استان آذربایجان غربی هستم که شب آن روز حوالی ساعت ۱۲ بامداد بود که بلیط داشتم و سوار اتوبوس شدم. خریدار این لحظات از زندگی‌ام چرا که با گذر تک‌تک لحظات به شهرم نزدیک‌تر می‌شوم و خوش حال هستم. صبح جمعه ۷ بهمن بالاخره رسیدم. روز شنبه ۸ بهمن به دیدار مادر بزرگم رفته بودیم، حدود ساعت ۰۰:۴۴ بامداد، مهمان ناخوانده‌ای به بزرگی ۵.۹ ریشتر که راضی به میزبانی‌اش هم نبودیم، حوالی شهرمان آمد؛ داشتیم فرار می‌کردیم که ناگهان برق خانه‌ها قطع شد، تقریباً نیمی از شهر در تاریکی محض، تاریکی شبی که حتی ماه هم پشت ابرها قایم شده بود، فرو رفت.

حتی در سوره مبارکه زلزال آمده که یکی از نشانه‌های قیامت زلزله است، حتی یاد عزیزترین آدم زندگیت نمی‌افتی، فقط دنبال فرار خودت هستی. حتی از مال دنیا آسوده می‌شوی؛ نمونه‌اش همان لحظه‌ای بود که موبایل در دستم را زمین انداختم و فرار کردم. در آن لحظه به این فکر افتاده بودم که اگر خدا کمک حالمان نباشد، ممکن است زیر آوار بمانیم به‌خصوص که صدای شکسته شدن شیشه و ریختن دیوار را می‌شنیدیم و در تاریکی هم چیزی قابل دیدن نبود، همه مات و مبهوت مانده بودیم و از لحاظ روحی و روانی، مضطرب و وحشت‌زده، در شهر صدای آه و ناله و داد و فریاد می‌آمد که دل سنگ را هم به رحم می‌آورد. آخرین لحظه‌ای که خانه‌مان بودم تصورم را نداشتم که بروم و وقتی بیایم ببینم همه چیز با آمدن یک مهمان ناخوانده‌ای بهم ریخته شود. بیشتر از همیشه دلتنگ خانه‌مان بودم، حتی بیشتر از اوقاتی که خوابگاه بودم. دلم به حال و هوای کسانی که کامل خانه‌شان را از دست داده بودند می‌سوخت؛ برای پدری که یک عمر زحمت کشیده بود و با دسترنج کارگری برای خانواده‌اش سرپناهی که درست کرده بود در عرض چند ثانیه نابود شدنش را ببیند.

البته اگر جان سالم به در ببری، هزاران بار جای شکر دارد ولی در این گرانی و اوضاع سخت اقتصادی باید چندین برابر قبل کار کنی و خانه بسازی و در این فکر باشی که مبادا باز خراب شود. مردم آن شب را آن قدر ترسیده بودند که در خیابان‌ها و در آن هوای سرد، شب را تا صبح با پتو گذراندند در حالی که در آن تاریکی و سرما و ترس و وحشت، برف هم شروع به باریدن کرد. نمی‌دانم چه حکمتی است که زلزله بین این همه فصل، زمستان را برای آمدن انتخاب می‌کند. همه بدبختی و سختی زلزله یک طرف، این سرمای استخوان‌سوز هم یک طرف. سردی آن شب زلزله چنان در عمق جان و استخوان‌ها فرو می‌رفت که صبر از ایوب می‌برد. به خاطر اوضاع تا مدتی بیرون ماندن از خانه‌ماندن را پذیرفته بودیم مگر این که شهر را ترک کنیم. بعضی مردم نه ماشین داشتند و نه چادر! چه باید می‌کردند؟





میناکاری

اگر آموزش میناکاری را ندیده باشید، ساخت یک ظرف میناکاری شده گرچه سخت است ولی غیرممکن نیست. با در نظر گرفتن برخی نکات و صبر و حوصله می‌توانید یک ظرف میناکاری زیبا را با دستان خود بیقرینید

وسایل مورد نیاز برای شروع میناکاری: قلم مو شماره ۶، قلم مو شماره صفر، قلم شنگ، مداد طراحی، سوزن دورگیری، رنگ میناکاری، صمغ، گلیسیرین، آب، قطره چکان، ظرف مسی با لعاب سفید یکی از مراکز اصلی برای تهیه این وسایل، میدان امام اصفهان است.

هنر میناکاری نیاز به دقت و حوصله دارد. پس صبر کنید تا تجربه کسب کنید و در نهایت به نتیجه‌ی دلخواه برسید. برای شروع میناکاری ابتدا باید با استفاده از مداد طراحی، نقش‌های گل و مرغ، پنج‌پری ... را به خوبی تمرین کنید، سپس به سراغ رنگ‌ها می‌رویم؛ برای ساخت رنگ به صمغ مخصوص، گلیسیرین، پودر رنگ و آب نیاز داریم. میزان مورد نیاز از صمغ و گلیسیرین به نسبت سه به یک است. صمغ و گلیسیرین را با پودر رنگ مخلوط می‌کنیم. وقتی رنگ به حالت گواش خشک شده درآمد، با استفاده از قطره چکان، قطره قطره به آن آب می‌افزاییم تا به غلظت مناسب برسد. غلظت مناسب رنگ برای میناکاری نه غلیظ است مثل گل و نه رقیق مثل آب.

نکته مهم این که ظرف لعاب خورده خود را ابتدا با کمی رنگ آغشته و سپس با پنبه پاک کنید؛ این گونه رنگ بهتر روی ظرف می‌نشیند. مطالب بیان شده مقدمات و مبانی که برای شروع میناکاری لازم است، بود. در شماره‌های بعدی نشریه، به مراحل بوم زدن و سایر نکات خواهیم پرداخت.

میناکاری گنجینه‌ای از فرهنگ، هویت و هنر یک ملت است و یکی از ارزنده‌ترین صناعات ایرانی اسلامی است. این هنر پیشینه‌ای در حدود ۱۵۰۰ سال دارد و همچنین میناکاری، هنر آتش و خاک است که با نقاشی درآمیخته است. این هنر درخشان از نظر ظرافت و تزئینات، مقام خاصی در بین هنرهای سنتی دارد و نه تنها از لحاظ زیباشناسی بلکه از نظر کاربردی نیز دارای اهمیت است. در دوره‌ی معاصر و بعد از دوره‌ی قاجار متأسفانه این هنر با فراموشی و کم فروغی همراه بوده است. امروزه صناعات ایرانی-اسلامی از جمله میناکاری رو به فراموشی است و معرفی و آموزش در سطوح مختلف علمی در کشور، می‌تواند موجب انتقال این هنر از نسلی به نسل دیگر شود و بهترین راه کار در جهت پایداری و ترویج هنر میناکاری در زمان معاصر باشد.

آموزش و معرفی و حفظ هنر اصیل میناکاری به دلیل ارزش‌های کاربردی فراوانی که دارد، می‌تواند جایگاه ایران را در پیوند با هنر و صنعت ارتقا بخشد. میناکاری ریشه در گذشته دارد و هویت و فرهنگ اصیل ایران اسلامی را حفظ کرده و در جهان اثری ماندگار می‌سازد.

میناکاری، هنر نقاشی و طراحی سطح فلزاتی مانند طلا، نقره و مس با لعاب دادن رنگ‌ها و آتش در کوره است و یکی از شکوه‌مندترین صنایع دستی ایران است. هنر میناکاری را مینیاتور آتش و همچنین تزئین فلز و کاشی با لعاب مینا هم می‌نامند. به گفته خاورشناس، آرتور پوپ، قدمت میناکاری به ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح

می‌رسد



**نادیا شیروانی نژاد، مدیریت
آموزشی، دانشگاه اصفهان**

منابع: مقاله حفظ هنر میناکاری ایران
در پیوند با آموزش سال انتشار: ۱۳۹۵،
وبسایت صنایع دستی حجازی

نکته‌ی قابل توجه در مورد تحویل سال و قرار گرفتن خورشید روی نقطه‌ی اعتدال بهاری، این است که بر اساس شرایط نجومی، مدت زمان قرار گرفتن مجدد خورشید بر روی این نقطه، ممکن است ۳۶۵ روز دقیق نباشد و این زمان، بین ۳۶۵ روز و ۵ ساعت و ۳۲ دقیقه، و ۳۶۵ روز و ۶ ساعت و ۴ دقیقه متغیر است. زمانی که خورشید بر روی نقطه اعتدال بهاری منطبق شد، به معنای تحویل شدن سال است و عید نوروز نیز همزمان با این رویداد و زنده شدن مجدد طبیعت، جشن گرفته می‌شود.

خورشید ستاره‌ای است که گرما و نور آن سبب تداوم حیات در این کره‌ی خاکی شده‌است. این ستاره نزدیک‌ترین ستاره به کره‌ی زمین است و بر اساس موقعیت قرار گرفتن آن نسبت به زمین، فصول گوناگون ایجاد می‌شوند. به طور کلی، فصول به صورت دوره‌ای و با ترتیب خاصی می‌آیند و در مدت زمان مشخصی تمام می‌شوند که بسته به فاصله و زاویه تابش خورشید تنظیم می‌شود.

روزهای نخست فصل بهار که عید نوروز در آن جشن گرفته می‌شود، حالتی است که خورشید وارد آسمان نیم‌کره شمالی می‌شود و به مرور زمان تابش آن به سمت زمین زاویه عمودتری دارد. البته لازم به ذکر است که موقعیت مکانی کشورهای گوناگون با یکدیگر متفاوت است و عید نوروز هنگامی جشن گرفته می‌شود که خورشید در نقطه خاصی از آسمان قرار گرفته است که به این نقطه، نقطه اعتدال بهاری می‌گویند

مرکز شهید آیت نجف آباد





عید...

در مورد عید نوروز فلسفه‌ای دیگر نیز در جایی به چشم آمده بود: این که عده‌ای هم عقیده دارند که خداوند در اولین روز از فروردین ماه کار خلقت انسان و سایر مخلوقات را به پایان رسانده و به همین دلیل آدمی برای سپاس‌گزاری از خداوند در چنین روزی به نیایش و شادمانی می‌پردازد.

این عید فرخنده با این که در فرهنگ‌ها و نقاط مختلف جهان، معنا و مفهوم خاص خود را داراست اما چندین عنصر مشترکی هم در بین ملل گوناگون ریشه دوانده است که جا دارد به آن‌ها هم اشاره‌ای داشته باشیم، همچون: رسم مهمان‌نوازی و بازدید از اقوام، هدیه دادن و هدیه گرفتن، شادی و خوشحالی و چیدن سفره‌هایی رنگین و سرشار از خوراکی‌های گوناگون.

این جشن در واقع به نوعی آداب انسان‌های پیشین (ایرانیان باستان) را بازگو می‌کند، انسان‌هایی ساده با دل‌هایی پاک که برای هر اتفاق فرخنده‌ای مجلسی با عنوان شکرگزاری برپا می‌کردند و معتقد بودند باید برای نعمت‌هایی که خداوند برایمان ارزانی داشته شاکر باشیم تا مبادا روزی آن‌ها از ما گرفته شود و این روز به نوعی رفتن به استقبال بهار است، طبیعت بعد از ماه‌ها از خواب زمستانی‌اش برخاسته و اکنون ما باید برای ملاقات او با بهار همراهی‌اش کنیم.

فلسفه‌های عید نوروز بسیارند و این که کدام یک حقیقت مطلق است را کسی نمی‌داند، آنچه که برای ما اهمیت دارد این است که حداقل هر سال بهانه‌ای برای جمع شدن کنار عزیزانمان داشته باشیم و این روز با شکوه را مقدس بشماریم. امید است که پایان این قصه سرد و سفید همیشه سبز باشد و انتهای تمام زمستان‌ها، بهاری جاودان!

نوروز بزرگم‌نرین‌ای مطرب‌امروز
زیرا که بود بخت نوروز به نوروز
منوچهری

کلمه‌ای که حتی با شنیدنش هم احساس تازگی و طراوت به آدمی دست می‌دهد، وقتی این کلمه سه حرفی را می‌شنویم ناخودآگاه بزم و سرور در ذهنمان مجسم می‌شود؛ چه بسا که این عید، نوروز باشد و تداعی‌گر خوشی‌های گذشته‌ی سال پیش.

در تقویم ملت ایران در طول سال اعیاد زیادی هستند که در روزهایی خاص ثبت می‌شوند و پشت هر کدام داستان و فلسفه‌هایی زیبا نهان است. حال ببینیم این عید نوروز که ما از بدو تولد آن را دیده و جشن گرفته‌ایم چه معنای پنهانی دارد که حاضریم هر سال صفر تا صد خودمان را برای این عید با شکوه گذاشته و آن را به بهترین نحو ممکن بر گزارش کنیم.

با توجه به آنچه در کتاب اوستا ذکر شده، در زمان سلطنت جمشید پادشاه ایران باستان، اهریمنی سایه شوم خود را بر سر مردم افکنده بود و مردم از جفاهاش به ستوه آمده بودند و جمشید به دستور اهورا مزدا با این اهریمن پلید مبارزه کرده و او را از بین برد، مردم آن روز

باشکوه و بزرگ را «روز نو» یا همان «نوروز» نامیدند و به یمن چنین روز پرافتخاری شروع به کاشتن جو در ظروف کردند و به این باور زیبا رسیدند که چنین روز و چنین بهاری همیشه «جاودانه» خواهد ماند.

و اکنون که سالیان سال است از آن روز می‌گذرد، ما همچنان اولین روز فروردین در اولین ماه از سال جدید، خود و بستگان و عزیزانمان را به چندین روز جشن و شور و نشاط دعوت می‌کنیم و این بزم تا ۱۳ روز ادامه می‌یابد و در سیزدهمین روز به رسم ادب و احترام به طبیعت، خود را به آغوش می‌سپاریم و او را هم در شادی مان سهیم می‌دانیم.

فاطمه سلطانی، دانشجوی آموزش ابتدایی
واحد شهید مطهری خوی



هنجار گریزی در رخدادهای فرهنگی و اجتماعی از منظر نهج البلاغه

حال باید انسان ها بتوانند در جریان زندگی، خلاف فطرت الهی حرکت نکنند و از هنجارهای دینی گریزان نگردند. همچنین باید بدون تغییر در ارزش های فطری، خود را با سنت ها و هنجارهای جدید هماهنگ سازند تا ضمن برآورده شدن نظام اجتماعی سالم و حکیمانه، سعادت خویش را نیز محقق نمایند.

اله بر محور نهج البلاغه و سخنان امیر المؤمنین علیه السلام با استفاده از منابع کتابخانه ای با عنوان هنجار گریزی در رخدادهای فرهنگی و اجتماعی از منظر نهج البلاغه نگاشته شده است. و مشتمل بر مقدمه و پنج فصل و نتیجه گیری است.

در فصل اول به کلیات و مفاهیم لغوی و اصطلاحی هنجار، فرهنگ و جامعه از دیدگاه اهل لغت و صاحب نظران و نیز نهج البلاغه می پردازد. در فصل دوم سعی شده به ارتباط میان هنجار و فرهنگ و جامعه بپردازد و نقش هنجارها را در چگونگی تشکیل یک جامعه با فرهنگ غنی دینی متذکر شود. از طرفی با ذکر پیامدهای ناشی از هنجارگریزی ها، ملاک های لازم برای مطلوب و نامطلوب بودن هنجارهای جدید را بیان نموده است. با شناخت ارتباط بین فرهنگ و جامعه و هنجارهای ناشی از آن، مدینه فاضله از مدینه غیرفاضله شناخته می شود. بدین ترتیب حیات و دگرگونی جوامع بر اساس فرهنگ، هنجارها و ارزش های حاکم بر آن ها تحلیل و تبیین می شود و مشخص می گردد چرا انسانی که بر مدار فطرت است از قوانین و هنجارهای الهی گریزان و تحت

تأثیر عوامل غیر فطری قرار می گیرد. لذا به اهمیت و نقش دین به عنوان یک عامل فرهنگی و یک هنجار مفید و مطلوب، می پردازد. در واقع برای تقویت و غنی سازی فرهنگ جامعه، تشکیل حکومت دینی بر اساس اعتقادات، عدالت و امنیت از مهم ترین موضوعات به شمار می آید.

اسلام به عنوان آخرین و کامل ترین دین الهی، بهترین سنت ها و آداب و رسوم را در جهت رشد و تعالی انسان ارائه کرده است. پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام نیز به عنوان شاخص های عملی در اجرای دستورات شریعت، توانسته اند راه و رسم زندگی سعادت مندی را فراروی مسلمانان قرار دهند. آن ها سنت های حسنه و گرانبهایی را پی ریزی کردند تا موجب انتظام، رشد و تعالی زندگی انسان ها شوند و فرهنگ و تمدن اسلامی را شکل دهند.

قطعا جامعه ی صالح، بر اساس پایبندی به هنجارها و سنت های حکیمانه ای که دین برای انسان تعیین کرده است، شکل می گیرد اما گاهی با عواملی مواجه می شویم که ما را از اهداف الهی دور نموده و موجب گسترش انحرافات، ناهنجاری ها، بی تعهدی ها و بی نظمی ها می گردد؛ همچنین با توجه به شرایط موجود جامعه به معرفی پایان نامه ای با عنوان هنجارگریزی در رخدادهای فرهنگی اجتماعی از منظر نهج البلاغه می پردازیم. در عصری به سر می بریم که راه و رسم زندگی کردن روز به روز در حال تحول و دگرگونی است؛ به طوری که پیوسته عواملی به صورت آشکار و پنهان سبب گشته ارزش های الهی مهجور و سنت های راستین به وادی فراموشی سپرده و نیز انسان ها در سردرگمی بین معروف ها و منکرها،

هنجارها و ناهنجاری ها غوطه ور گردند. همچنین ممکن است از عمل باز مانند و زمینه ی هنجارگریزی فراهم شود.

اینک خلأ های ناشی از عمل نکردن به این سنت ها و پایبند نبودن به هنجارهای دینی در زندگی اجتماعی مسلمانان به صورت جدی مشهود است، همچون کلاف سردرگم به پای مردم و مسئولین پیچیده است و بر آن ها حکومت می کند.





روش دوم یعنی قاطعیت، زمانی است که در مقابل برخوردهای مسالمت‌آمیز، سوءاستفاده شود؛ به عبارتی قاطعیت برای انسان‌هایی که به پیروی از رذائل اخلاقی سرنا سازگاری با اجتماع را در پیش می‌گیرند و برای عملی کردن اهداف خود، نظام جامعه را از هم گسیخته می‌نمایند، به کار برده می‌شود. اگر شرایط به درستی تشخیص داده شود این دو روش، می‌توانند موجب ایجاد تعهد و پایبندی نسبت به هنجارها، و حذف هنجارهای نامطلوب و به تربیت انسان و جامعه منتهی گردد.

در فصل پنجم این پایان نامه به ارائه راهکارهای عملی از سیره‌ی امیرالمؤمنین علیه‌السلام در جهت حفظ و رعایت هنجارها پرداخته‌است. در این راستا برای پایبندی و تعهد بیشتر نسبت به هنجارها، دو معیار اساسی یکی ایجاد انگیزه‌های درونی و دیگری کنترل و نظارت‌های اثرگذار به‌عنوان دو راهکار عملی و کلی در دو گستره‌ی فردی و اجتماعی در نظر گرفته شده‌است. در کنار انگیزه‌ها، می‌توان با نظارتی اثرگذار و همگانی و همچنین آموزش‌های لازم به تقویت ایمان و اراده‌ها پرداخت، ریشه‌ی فساد فرهنگی و بازگشت به فرهنگ جاهلی که در تعارض با فرهنگ ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله است را خشک‌اند و با تقویت مسئولیت‌پذیری انسان را ملزم به رعایت هنجارها نمود.

در آخر نتیجه‌گیری و جمع‌بندی از این بحث صورت گرفته‌است.

شایان ذکر است که مسلماً در این پایان‌نامه هیچ‌گاه ادعا نمی‌شود که عوامل هنجارگریزی و راهکارهای قطعی برای مبارزه با این معضل اجتماعی به طور کامل ارائه گردیده است. لیکن علی‌رغم اشکالات و نقایص موجود، امید آن می‌رود که فتح بابی هرچند کوچک برای این امر مهم باشد.

الهه خیراللهی

کارشناس پژوهش و تحقیق ناحیه ۴

در فصل سوم نیز به واکاوی علت‌ها و ریشه‌هایی که موجب به وجود آمدن این جریان هنجارگریزی شده می‌پردازد. در این فصل در مورد اساسی‌ترین عوامل فردی و اجتماعی که سلامت انسان و جامعه را به خطر انداخته و موجب تضعیف ارزش‌ها و ناپایبندی انسان به هنجارها گشته مورد بحث قرار می‌دهد. از جمله‌ی این امور می‌توان به انگیزه‌های روانی و احساس محرومیت‌ها، جهل نسبت به دین و دنیا و عدم شناخت کافی از آن‌ها و نیز فشار و قدرت عوامل محیطی، اجتماعات آلوده و روش‌های حکومتی ناسالم (فشار هنجاری) اشاره نمود. بنابراین جامعه‌ای که در شناخت‌هایش دچار اختلال شود، به جای تبعیت از عقل و دین از عواملی همچون حب و بغض‌ها، خرافه‌ها و شک و گمان‌ها و... پیروی می‌کند. در نهایت با معیارگرایی‌ها و شخصیت‌گرایی‌های ناصحیح، به برداشت‌های غلط و نارسا از دین می‌رسد. دین، متصف به اوصاف بشری می‌شود، بهره‌برداری ابزاری از دین توسط خواص بی‌بصیرت جامعه، جدی‌ترین اشتباهات را در زمینه‌ی دین‌شناسی به وجود می‌آورد و به یک جامعه‌ی به اصطلاح دین‌دار، اما غیرعالمانه‌ای تبدیل می‌گردد که دیگر انسان‌ها به پیروی از خواص جامعه، ناهنجاری‌ها را گسترش می‌دهند. همچنین استخراج ریشه‌های هنجارگریزی و عواملی که در توسعه و تعمیق هنجارهای دینی و ارزش‌های متعالی نقش دارد می‌تواند ما را در نحوه‌ی مواجهه با ناهنجاری‌ها راهنمایی کند.

در فصل چهارم نیز به نحوه‌ی برخورد با ناهنجاری‌ها، با توجه به سیره‌ی امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌پردازد. همین‌طور با در نظر گرفتن شرایط و خصوصیت انسان‌ها، دو برخورد سازگارانه و قاطعانه را مورد توجه قرار می‌دهد. در سایه‌ی سازگاری و مدارا، می‌توان به تقویت ارتباطات اجتماعی پرداخت. طبق فرهنگ اجتماعی اسلام، توجه به ارزش‌ها و عواملی همچون حسن ظن به دیگران، همدلی و خیرخواهی، فروتنی و احترام به دیگران، رأفت و گذشت و بردباری و تغافل، روابط و مناسبات اجتماعی را بهبود می‌بخشد و کمبودهای عاطفی را برطرف می‌سازد و انسان‌های خطاکار را به دامن لطف الهی باز می‌گرداند.



بررسی تحقیقات علمی جهان در خصوص فواید روزه

نقش درمانی روزه در تحقیقات تجربی:

ابراهیمی و مقدم به منظور بررسی نقش روزه بر درمان بیماری ها، پژوهشی بر مراجعین صرعی انجام داده و به این نتیجه رسیدند که درصد مراجعین در ماه رمضان در مقایسه با سایر ماه ها ۴۰ درصد کاهش نشان داده است.

انصاری جابری در سال ۱۳۸۷ در پژوهشی بر روی هفت نفر از دانشجویان رشته های مختلف پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان در مورد تأثیر روزه بر عزت نفس آنان تحقیقی انجام دادند و به این نتیجه دست یافته اند که روزه باعث افزایش عزت نفس در افراد می شود و می تواند از اختلالات روانی جلوگیری کند.

محمدی و همکارانش در سال ۱۳۷۹ در پژوهشی، تأثیر روزه داری را بر سرلیپیدهای خون در مردان تهرانی را تعیین نموده و نتایج تحقیق آن ها نشان داد که کاهش تری گلیسرید در برخی گروه ها مبین اثرات مثبت روزه داری بر سالم بودن بدن است.

در پژوهش دیگری که توسط سر بلوکی و افشار در سال ۱۳۷۸ انجام شده، تأثیر روزه داری بر قند، لیپید، وزن و فشار خون ۳۰ بیمار دیابتی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از این بررسی نشان داد که شاخص های قند خون، کلسترول، فشار خون و وزن در اثر روزه داری وضعیت مطلوب و رضایت بخش یافته است. همچنین این محققان پیشنهاد نمودند که روزه گرفتن برای بیماران دیابتی اثرات مفیدی از لحاظ کنترل بیماری دارد. با مطالعه این موارد و دیگر موارد به این نتیجه می رسیم که روزه بر سلامت جسم و روان تأثیر بسزایی دارد.

رضا صباحی، آموزش ابتدایی، دانشگاه ایت نجف آباد

یکی از واجبات دین مبین اسلام که از اهمیت ویژه ای برخوردار است و در قرآن و احادیث سفارش های زیادی به آن شده، مسئله ی روزه است. روزه گرفتن علاوه بر آنکه یک عبادت و امر واجب است، برای حفظ سلامتی جسمی و روانی انسان بسیار مفید است؛ درحقیقت روزه، طب پیشگیری اسلامی است و می تواند هم نقش پیشگیری داشته باشد و هم نقش درمانی. سلامتی نعمتی است که اهمیت آن بر هیچ کس پوشیده نیست به گونه ای که سازمان ها و نهادهای بین المللی تلاش های وسیعی کرده اند تا با اجرای برنامه ها و راهکارهای مناسب سطح سلامت جامعه را افزایش دهند.

دین اسلام نیز که پاسخگوی همه ی نیازهای بشری است، به طور ویژه به این موضوع پرداخته است. با توجه به این که عامل بسیاری از بیماری ها پرخوری و زیاده روی در خوردن غذاهای مختلف است، بهترین راه مبارزه با این بیماری ها امر روزه داری است، به طوری که امروزه دانشمندان پس از طی مراحل مختلف و تحقیقات علمی روزه داری را به عنوان عالی ترین روش درمان انواع بیماری معرفی کرده اند.

برخی از فواید روزه با توجه به آیات و روایات:

۱. روزه جسم و بدن را سالم نگه می دارد.

قال رسول الله: «صوموا تصحوا» حضرت رسول اکرم می فرمایند: «روزه بگیری تا تندرست بمانی».

۲. آرامش قلب

قال امام باقر (ع): «الصيام والحج تسكين للقلوب» روزه و حج آرامش دهنده قلوب آدمیان است.

۳. تعادل اقتصادی

حضرت امام صادق (ع) می فرمایند: «به راستی خداوند روزه را واجب کرده تا به وسیله آن بین اغنیاء و فقراء مساوات و برابری به وجود آید» (۱۲)

۴. اخلاص

عن فاطمه الزهراء (س): «فرض اهلل صيام تثبیتا الاخلاص»
«خداوند روزه را برای تثبیت اخلاص واجب فرموده است».





ماه مبارک رمضان از منظر دین مبین اسلام

اگر بخواهیم اهمیت ماه مبارک رمضان را درک کنیم، باید به سوره‌ی «بقره» نگاهی بیاندازیم؛ زیرا خداوند در آیات ۱۸۴ و ۱۸۵ سوره بقره در مورد روزه داری، احکام روزه و کفاره روزه سخن به میان آورده است و همچنین در فضیلت این ماه می‌توان به روایتی از امام باقر (ع) اشاره کرد که به جابر می‌فرمود: «کسی که در این ماه روز را روزه بگیرد و بخشی از شب را به عبادت سپری کند، همانند روزی می‌شود که مادرش او را زاییده است.» و همین‌طور امام صادق (ع) در حدیثی فلسفه روزه‌داری را برابری دارا و فقیر عنوان کرده است و در حدیثی دیگر از پیامبر اکرم (ص) عنوان شده است: «بنده خداوند اگر می‌دانست ماه رمضان چیست و چه برکاتی دارد، دوست داشت تمام ماه سال، ماه رمضان باشد.» و در همین راستا نیز امام صادق فرمودند: «اگر کسی بدون عذر روزه‌خواری کند، ایمان از او جدا می‌شود.»

تقویت تقوا و پرهیزکاری، آرامش روان و جسم، عدم نفوذ شیطان، مساوات بین فقیر و غنی، احیاء فضائل اخلاقی وجود شب‌های قدر در ماه مبارک رمضان، تلاوت و وزیدن نسیم قرآن در کشورهای مسلمان از جمله فوائد و فضائل روزه‌داری است و این موارد در روایات و احادیث مختلف ذکر شده است. افطاری دادن نیز از دیدگاه اسلام سفارش شده است و آن را در اتحاد و انسجام میان همه اقشار جامعه مؤثر می‌داند، به گونه‌ای که پیامبر اکرم (ص) در این مورد فرمودند: «ای مردم! هر کس از شما مؤمن روزه داری را در این ماه افطاری دهد، برای او در مقابل این عمل ثواب آزاد کردن بنده و آمرزش گناهان گذشته اش است.»

«شَهْرَ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُم وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ». (سوره بقره، آیه ۱۸۵)

«ماه رمضان ماهی است که قرآن در آن فرو فرستاده شده که راهنمای مردم و دلایلی روشن از هدایت و جدایی (بین حق و باطل) است. پس کسی که در این ماه حاضر باشد (در وطن باشد) باید آن را روزه بدارد، و کسی که بیمار یا در سفر باشد تعدادی از روزهای دیگر (را به مقدار آنچه فوت شده روزه بدارد). خداوند برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما دشواری نمی‌خواهد، و (می‌خواهد) تا شماره معین (۳۰ روز) را تمام کنید و خدا را به پاس آن که شما را هدایت نموده تکبیر گویند و بزرگ شمارید، و شاید سپاس گزارید.»

رمضان ماه مهمانی خداوند است و قرآن کتاب هدایت بشریت در یکی از شب‌های قدرش نازل شده است. در این ماه درهای رحمت خداوند برای آمرزش گناهان انسان‌ها باز است.

این ماه به نام رمضان نامیده شده است؛ طبق سخنی از پیامبر اکرم (ص) که در بحارالانوار علامه مجلسی ذکر شده است که ماه رمضان گناهان را می‌سوزاند و این ماه در کتب مختلف آسمانی از جمله قرآن کریم، انجیل تورات، صحف و زبور نازل شده است و تنها ماهی است که نام آن در قرآن آمده است.

امیر محمد بهارلوئی (رشته آموزش ابتدائی)، پردیس

شهید باهنر اصفهان واحد دکتر آیت نجف آباد

منابع: قرآن کریم سوره بقره آیه ۱۸۵

بحارالانوار علامه مجلسی



چگونه بهتر اندیشیدن را آموزش دهیم

۷. بین آنچه فکر می‌کنند، می‌گویند و انجام می‌دهند، ارتباط برقرار کنند. نویسنده، بین فلسفه و سایر رشته‌های علمی ارتباط برقرار می‌کند و راهبردهایی را برای حل بسیاری از مسائل جامعه از جمله صلح، خشونت، جنسیت، تبعیض و محیط زیست، مطرح می‌کند.

هشت عنوان در این کتاب مورد پردازش قرار گرفته است که هر کدام به شاخه های متفاوتی تقسیم می‌شوند، این عناوین شامل: ۱. تفکر: کلاس به منزله ی حلقه کندوکاو ۲. پویایی حلقه ی کندوکاو ۳. معنا سازی ۴. تفکر، فلسفه و فلسفه برای کودکان ۵. فلسفه روزی در کلاس درس ۶. رشد شخصی و کندوکاو اخلاقی ۷. کندوکاو اخلاقی در کلاس ۸. فلسفه برای کودک و اجتماع جهانی است.

این کتاب برای آموزگاران، مربیان آموزگاران، مشاوران مدرسه، روان‌شناسان، مددکاران امور جوانان و مربیان مذهبی و همچنین برای تمام والدینی که می‌خواهند فرزندانشان بحث کردن، اندیشیدن و استدلال کردن معقول را یاد بگیرند، جذابیت بسیاری دارد.

نویسندگان این کتاب، دکتر لورنس اسپلیتر، مدیر فلسفه برای کودکان در انجمن تحقیقات آموزشی استرالیا؛ دکتر آن مارگات شارپ معاون مؤسسه دستاوردهای فلسفی برای کودکان، دانشگاه ایالتی مونتکلیر، نیوجرسی هستند. امید است با بهره‌گیری از این کتاب و مطالعه روزافزون در این مورد، همه کسانی که به کودکان اهمیت می‌دهند و از آن‌ها مراقبت می‌کنند، خود را مشارکت‌کنندگانی در کندوکاوی مداوم در خانه، شبکه‌های دوستان و گروه‌هایی‌ها ببینند، به‌ویژه در مکان‌هایی که مسائل آموزشی و نیز فلسفی با هم در نظر گرفته می‌شوند و به هم مرتبط هستند.

از همه‌ی کسانی که با این دیدگاه «کودکان می‌توانند و باید با یکدیگر در حلقه‌ی کندوکاو کار کنند» موافق‌اند، دعوت می‌کنیم که آن را تحقق بخشند. قرار داشتن کندوکاو فلسفی در دست، ذهن و قلب کودکان ما چشم‌اندازی بسیار پرهیجان است. این را از خودشان بپرسید.

مریم حجتی سیامکانی

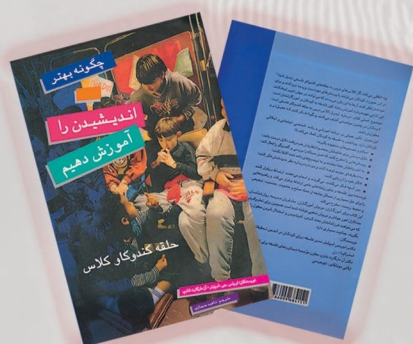
رشته آموزش شیمی، دانشگاه نسیبه تهران واحد شهید شرافت

بسیاری از دانشمندان تعلیم و تربیت، معتقدند که حاکمیت صرف کتاب‌های درسی و به‌وجود آوردن محیط‌های آموزشی خشک، کار کلاس را بی‌ارزش ساخته است. اگر اداره مدرسه و فعالیت‌های آموزشی آن صرفاً به صورت انتقال دادن شاگردان از کلاسی به کلاس دیگر یا از پایه و مقطعی به پایه و مقطعی دیگر باشد، بی‌گمان هرگز زمینه مساعد رشد تفکر خلاق در ایشان فراهم نخواهد شد.

نباید با انتقال فراوان مفاهیم علمی و تمرین‌های تکراری بی‌معنا، فرصت اندیشیدن را از دانش آموز گرفت؛ چراکه تنها انتقال اطلاعات و مفاهیم علمی برای اندیشیدن کافی نیست، بلکه معلّم باید شرایط اندیشیدن را ایجاد نماید پس به‌عنوان معلّم آینده باید تلاشمان را بکنیم تا فضای فکری را در کلاس‌های درس خود ایجاد کنیم؛ در این رابطه کتاب چگونه بهتر اندیشیدن را آموزش دهیم؟ پیشنهاد می‌شود. در این کتاب فرا می‌گیریم که اگر کلاس‌های درس به حلقه‌های کندوکاو فلسفی تبدیل شود، چه اتفاقی می‌افتد.

در این صورت کودکان می‌توانند با پرسش‌های مهم دست‌وپنجه نرم کنند و برای خودشان فکر کنند. آن‌ها به این باور می‌رسند که می‌توانند در جهان تغییر ایجاد کنند. این کتابی مهم درباره‌ی آموزش رشته کهن فلسفه به کودکان و آموزگاران‌شان است. موضوع اصلی کتاب درباره‌ی تبدیل کلاس درس به حلقه کندوکاو فلسفی است. کودکان در چنین موقعیتی کشف می‌کنند چگونه فکر کنند که عمیق‌تر و معقول‌تر باشد. این تبدیل، تأثیر عمیقی بر برنامه آموزشی و رشد شخصی، اجتماعی و اخلاقی کودکان دارد. پرداختن به فلسفه به کودکان کمک می‌کند تا:

۱. احکاو تصمیم‌های سنجیده بگیرند.
۲. دلایل درستی برای عقایدشان ارائه دهند و انتظارشان هم دریافت دلایل درست باشد.
۳. پرسش‌هایی را مطرح کنند که اصل مسئله را بررسی و گفت‌وگو را فعال کند.
۴. به تجربیاتشان معنا ببخشند و به توضیح‌های داده شده اکتفا نکنند.
۵. به نظرهای جدید توجه کنند و دوباره درباره نظر خودشان فکر کنند.
۶. افکار خود را ارزیابی کنند.



منابع: جورنس-جی، اسپلیتر، آن
مارگات شارپ. کتاب چگونه بهتر
اندیشیدن را آموزش دهیم، نشر
پژواک فرزنان، ۱۳۹۶.





@Tarbiat_mag



پیچ جامعه‌ای فراتر از اندیشه معلمانش رشد نخواهد کرد

میرزا محمد تقی خان فراهانی (امیر کبیر)

